

نبرد توابین

واقعۀ عین الوردۀ، نبرد خونین و بزرگی میان شیعیان عراق و سپاهیان شام به فرماندهی عبدالله بن زیاد بود...



نبرد توابین در عین الوردۀ با سپاهیان عبدالله بن زیاد در سال 65 هجری قمری همان طوری که در اول ربیع الثانی اشاره کردیم، پس از قیام مقدس ابا عبدالله الحسین(ع) و شهادت جانسوز وی و یارانش به دست سپاهیان یزید بن معاویه در سرزمین کربلا و افشاگری اسیران واقعۀ کربلا در ایام اسارت و روشن گری آنان بر ضد خلافت یزید بن معاویه، یک حالت ندامت و پشیمانی در شیعیان و محبان اهل بیت(ع) به ویژه اهالی عراق و شهرهای بصره و کوفه به وجود آمد و به تدریج در طول چهار سال و اندی، به یک قیام بزرگ تبدیل گردید.

پیشوای این قیام را سلیمان بن صرد خزاعی بر عهده داشت و در نخستین روز ربیع الثانی سال 65 قمری با حرکت از کوفه، مخالفت خویش را با دستگاه جبار اموی آشکار کرد.

در آن هنگام، خلافت امویان را مروان بن حکم بر عهده داشت و جنایت کار بزرگ کربلا، یعنی عبدالله بن زیاد، عامل وقت یزید در کوفه و بصره و آتش افروز اصلی واقعۀ کربلا، در شام به سر می برد و حکومت مروان را تقویت و پشتیبانی می نمود.

بدین جهت، گروه توابین پس از خروج از شهر کوفه، در آغاز وارد سرزمین کربلا شده و پس از چند روز عزاداری و توبه و استغفار، به عزم نبرد با دست اندرکاران اصلی جنایت کربلا، به سوی شام ره سپار شدند.

شامیان که از خروج توابین با خبر شده بودند، سپاهی سنگین به فرماندهی عبدالله بن زیاد برای نبرد با توابین به سوی عراق اعزام کردند و دو سپاه در سرزمین عین الوردۀ با هم رو به رو شده و در 22 جمادی الاولی، سال 65 قمری نبرد خونینی میان آنان واقع گردید.

سلیمان بن صرد خزاعی، پیش از آغاز نبرد، سپاهیان و یاران خود را برای جنگ آماده و آنان را به حیات طیبۀ اخروی و دل نسپردن به مظاهر دنیوی و گرفتن انتقام از قاتلان کربلا ترغیب و تشویق کرد و به آنان گفت: اگر برای وی اتفاقی افتاد، فرماندهی سپاه را مسیب بن نجبه فزاری، پس از او عبدالله بن سعد ازدی، پس از او عبدالله بن وال تمیمی، و اگر او نیز کشته شود، رفاعة بن شداد بجلی بر عهده خواهند داشت.

آن گاه دسته ای از توابین به فرماندهی مسیب بن نجبه فزاری با دسته ای از سپاهیان شامی به فرماندهی ابن ذی الکلاع درگیر شده و شامیان را متحمل شکست سخت و سنگینی نمودند.

عبدالله بن زیاد، که فرماندهی کل شامیان را بر عهده داشت، بی درنگ حصین بن نمیر را در رأس دوازده هزار مرد جنگی تازه نفس به نبرد توابین فرستاد.

در این هنگام، توابین با روحیه ای سرشار از پیروزی، از شامیان درخواست کردند که دست از جنگ برداشته و تنها عبدالله بن زیاد و سایر جنایت کاران واقعۀ کربلا را به آنان تحویل دهند، تا آن ها از این جنایت کاران انتقام گیرند. شامیان از این امر سرباز زده و در مقابل، از توابین درخواست نمودند که خود را تسلیم شامیان نموده و با خلیفه وقت، مروان بن حکم بیعت کنند.

طرفین از درخواست های خویش کوتاه نیامده و در نتیجه، بار دیگر نبرد خونین و بی آمانی میان آنان آغاز گردید و از دو طرف، تعداد بی شماری کشته و زخمی گردیدند و تا شب این درگیری ادامه یافت.

در این نبرد، میدان داری و غلبه نسبی با عراقیان مجاهد و توابین مبارز بود ولی تاریکی شب، دو طرف را به استراحت و تجدید قوا وادار نمود و در بامداد روز بعد، بار دیگر سپاهیان شام به فرماندهی ابن ذی الکلاع با هیجده هزار مرد جنگی در برابر توابین قرار گرفتند. شایان ذکر است که تعداد کل توابین، چهار هزار رزمندۀ و تعداد جنگ جویان شامی، بیش از سی هزار تن بود.

در این روز نیز پیکار دو طرف، وصف ناپذیر بود و بنا به گفته ابن کثیر: "لم یرالشیب و المرد مثله قط"؛ هیچ پیر و جوانی چنین نبردی را در زندگی خود ندید.

با فرا رسیدن تاریکی شب، مجدداً دو طرف از جنگ دست کشیده و به مداوای زخمیان و استراحت رزمندگان پرداختند.

در این زمان، نیروهای توابین به خاطر کشته و زخمی گردیدن تعداد زیادی از آنان، به شدت کاهش یافته و رفته رفته، سپاهیان شامی بر آنان تفوق می یافتند.

در بامداد روز بعد، ادهم بن محرز باهلی با ده هزار نیروی شامی به سوی توابین هجوم آورد و آنان را از هر سو مورد تاخت و تاز خویش قرار داد. اما توابین که به عشق شهادت و لقاء الله می جنگیدند، در عین کمی تعدادشان، مردانه مقاومت کرده و با دلاوری های خویش، جلوی ترکتازی های شامیان را می گرفتند. ولی در میان روز، سلیمان بن صرد خزاعی مورد اصابت تیر یزید بن حصین بن نمیر قرار گرفت و در حالی که به مانند مولایش امیرمؤمنان(ع) در آخرین ساعات عمرش می گفت: "فزت و رب الکعبه"؛ در میدان نبرد به شهادت رسید. پس از او، مسیب بن نجبه فزاری پرچم خونین توابین را به دست گرفت و سپاهیان عراقی را فرماندهی کرد، ولی ساعاتی بعد، او نیز شهید شد و پس از شهادت وی، عبدالله بن سعد فرماندهی توابین را بر عهده گرفت. او نیز پس از مبارزاتی شدید، به شهادت رسید و عبدالله بن وال تمیمی پرچم توابین را برگرفت و به نبرد ادامه داد. او که از فقها و مفتیان دینی بود و در واقع، فقه را در عمل به کار بسته بود، پس از ساعاتی مبارزه، به دست ادهم بن محرز باهلی به شهادت رسید و فرماندهی توابین به

رفاعة بن شداد بجلي رسيد و او نيز مبارزه را ادامه داد، تا تاريخي شب فرا رسيد. تعداد اندكي از توابين، باقي مانده و اكثر قريب به اتفاق آنان كشته و يا زخمي و از كار افتاده شده بودند. رفاعة بن شداد، آنان را در تاريخي شب گرد آورد و درباره ادامه مبارزه به مشورت و گفت و گو پرداخت و پس از شنيدنديدگاه هاي گوناگون، به اين نتيجه رسيد كه مبارزه و ادامه نبرد را در اين جا متوقف كرده و به شهرهاي خويش بازگردند، تا با تجديد قوا و تجهيز نيروي بيشتر، بار ديگر به سوي شام هجوم آورند. بدين جهت از تاريخي شب استفاده كرده و به سوي كوفه برگشتند. هنگامي كه به شهر "هيت" رسيدند با سعد بن حذيفة بن يمان روبرو شدند كه با سپاهي از اهالي مدائن به ياري توابين حركت كرده بود. سعد بن حذيفة، آنان را تسليت و تعزيت گفت و با آنان هم دردي نمود و به مداواي زخميانشان همت گماشت و آنان را كمك و ياري نمود، تا به شهرهاي خود برگردند. بدين سان، سعد بن حذيفة و لشكريان او به مدائن و رفاعة بن شداد و بازماندگان توابين به سوي كوفه برگشتند و منتظر قيام ديگري ماندند، تا بار ديگر بر خلافت سراسر جور و ستم امويان بتازند و در ياري اهل بيت(ع) جهاد و از جان گذشتگي كنند. اين فرصت براي آنان در قيام مختار بن ابي عبیده ثقفی فراهم گرديد و با پيوستن به او، عاقبت الامر انتقام شهدي كربلا را گرفته و جنايت كاران واقعه كربلا را به سزاي اعمالشان رسانيدند.